



حج در قلمرو فرهنگ جامعه

سید علی موسوی گرمارودی

همراه با کاروان ابراهیم خلیل (ع)، در کنار حریم یار و در میان خیل عاشقان و مشتاقانی که به زیارت بیت‌الله الحرام آمده بودند تا پروانه‌وار برگرد خانه محبوب و معبود خویش طواف کنند، دیداری دوستانه و صمیمی و مصاحبه‌ای کوتاه با شاعر معاصر، و نویسنده متعهد و گرانقدر، آقای سید علی موسوی گرمارودی داشتیم که ضمن تشکر از ایشان ذیلاً توجه خوانندگان عزیز را به این مصاحبه جلب می‌نمائیم:

میقات - جناب آقای موسوی: با توجه به نقش مهم حج در هدایت جامعه

اسلامی به سوی یک جامعه نمونه انسانی و قرآنی لطفاً فرمائید:
 برای گسترش فرهنگ حج در سطح افکار عموم مردم و اتخاذ روشی که
 عنوان «حاجی» در جامعه، یک ارزش تلقی گردد، چه باید کرد؟
 بسم الله الرحمن الرحیم، طی شصت - هفتاد سال اخیر، در جامعه ما، از
 سوی عوامل تهاجم فرهنگی داخلی و خارجی، اقداماتی عموماً در
 راستای اسلام زدایی و خصوصاً در تخفیف و کوچک شماری حج،
 صورت می‌گرفت. به دو سه نمونه آن می‌توان اشاره کرد:

فخست کتاب «حاجی آقا»، نوشته صادق هدایت که با نثری شیرین و
 استوار و طی داستانی پرکشش و همراه با طنزی گزنده و مؤثر، چهره‌ای
 کزیه از «تیپ حاجی» در جامعه ما بدست می‌دهد و می‌توان آن را
 مؤثرترین اقدامی دانست که در اقشار باسواد کشور، تا مدتها، [شاید تا
 کنون نیز در گوشه و کنار] تأثیر منفی داشته است.

دو دیگرو، فیلمی سینمایی بود که در ایام طاغوت با نام «محلل» روی
 پرده سینماها رفت و از سوی اردوی الحادی روشنفکران نیز جانبداری
 شد [و تنها کسی که با آن به مبارزه مؤثر از طریق یکی از رسانه‌ها، پرداخت
 شهید آگاه بزرگوار استاد مطهری بود]. منظور اصلی این فیلم، اگر چه به
 مسخره گرفتن حکمی دیگر از احکام اسلامی بود ولی در آن هم، اگر
 درست به یادمانده باشد، کسی که «قهرمان منفی» داستان است یک
 «حاجی آقا» است.

سه دیگرو: موردی است که ضمن مجموعه‌ای، از تلویزیون پخش شد
 به نام «مثل آباد». در یکی از بخشهای آن مجموعه، داستان مردی به
 تصویر در می‌آید که «کربلائی» بوده است و سپس حج می‌گزارد و
 «حاجی» می‌شود؛ اما تمام هم و غم او این است که پس از ادای حج، او را
 «حاجی علی» صدا کنند و نه «کربلائی علی»... بعدهم، به صورت



نمایشنامه رادیویی، از رادیو پخش شد (آنهم در بخش اطفال و نوجوانان). راه حل به نظر من این است که با ارائه متونی در جهت عکس آن اقدامات و تهاجمات؛ اقدام گردد اما حتماً باید با همان قوت، بلکه قوی تر، ارائه شود تا شکوه حج و جنبه های روحانی آن، از طرق گوناگون، در ذهن مردم، جای آن تصویرهای منفی قبلی را بگیرد.

یکی از بهترین اقدام ها شاید این باشد که وسائلی فراهم آید تا اقشار خلاق و هنرمند جامعه، هر ساله در حج حضور یابند (هر سال یکدسته)، تا در بازگشت، از طریق هنرهای خویش اعم از نثر، شعر داستان، گرافیک، نقاشی، سرود و... آنرا به جامعه باز تابند.

میقات - جایگاه زیارت و توسل به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام را در اسلام و تأثیر آنرا در ایجاد تحول روحی و معنوی، بیان فرماید.

جایگاه بلند دعا و مناجات با دوستِ اعلی و درگاه ربوبی، در قرآن کریم و نیز جایگاه والای زیارت و توسل به ائمه اطهار در متون روایی ما، بر هیچ مسلمان فرهیخته ای، پوشیده نیست. دعا ویژه ارتباطهای درونی انسان با خداست یعنی همان غایة القُصوای آفرینش ما که «خداگون شدن» باشد.

این حدیث قدسی زیبا را لابد شنیده اید که می گوید: در بهشت، نخستین چیزی که از سوی خداوند به مؤمن، می رسد نامه ای است که عنوان آن مطرّز و مزین به این نوازش رحمت الهی است:

«مِنَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، إِلَى الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ»^۱.

«از پادشاه زنده نامیرا به پادشاه زنده نامیرا. و این سند خداگون شدن آدمی در بهشت است.»

تنها راهی که آدمی را به این مقصود متعالی، رهنمون می تواند شد،



ارتباط معنوی او با خدا، از طریق دعاست زیرا فطرت او (اگر دست مالی نشود) راهبر او به همین سو است و از درون او راهی به دوست آعلی هماره گشوده است؛ به قول غزالی مشهدی:

من دانم و من، که چیست در سینه من^۱.

اغلب متون و آثار بر جسته در سخنان اهل بیت علیهم السلام، در بخش های دعاست، از کمیل امیر سخنوران علی (ع)، تا عرفه سید عارفان حسین (ع) تا صحیفه صفحه آرای کتاب دل عابدان، سجاده (ع) ذوالثقات و ...

تمام این بزرگواران، جدی ترین و پربارترین بخشهای زندگی خود را در راز و نیاز و توسل و اشک در درگاه الهی گذرانده اند.

خوشا کسانی که شیوه بشکوه و بلند آنان را همان از ایام جوانی سرمشق خود قرار می دهند که بقول میرابوطالب ترشیزی:

آنکس که همیشه دیده تر دارد

از خرمن عمر بیشتر بردارد

از گریه ایام جوانی مگذر

باران بهار، فیض دیگر دارد.

بقول صائب:

به ذوق مطرب و می، روزها به شب کردی

شبی به ذوق مناجات کردگار مخسب

میقات - شاعران و نویسندگان و هنرمندان چه رسالتی در گسترش فرهنگ حج دارند و به طور کلی جنابعالی سیمای حج را در ادبیات فارسی تا کنون، چگونه ارزیابی می کنید؟

باید عرض کنم که در ادبیات گذشته ما، شعرهایی وجود دارد که یا گویندگان آنها خود، به پیروی از اباحیگری و باروحیه «صلح کل»، نسبت



به واجبات از جمله حج کم توجهی بلکه بی لطفی کرده‌اند و یا خوانندگان چنین برداشتهایی از آن اشعار می‌کنند.

در دسته اول باید شعرهایی نظیر این شعر سعایی استرآبادی را نام برد:

هر چیز که جز خدای، نامی چند است

نامی چند است و بهر عامی چند است

تکلیف و نماز و حج و هر چیز که هست

جوشی ز پی پختن خامی چند است

از دسته دوم، می‌توان مثال‌های بیشتری ذکر کرد؛ گویندگان آنها هم، عرفا یا دانشمندان بزرگ بوده‌اند و مقصود آنان از شعری هم که سروده‌اند، با مقصود شعرهایی که در دسته اول ذکر کردیم، فرق ماهوی دارد؛ اما در نزد برخی پخته‌خواران و خام‌فکران، برداشت نادرست می‌تواند داشت؛ از این جمله است شعر یقینی لاهیجی:

در مذهب ما، سبحة و زنار یکی است

بتخانه و کعبه، مست و هشیار، یکی است

گر همچو «یقینی» زخودی باز رهی

دانی که در این چمن، گل و خار، یکی است

یا این شعر خواجه نصیر طوسی:

گر چشم یقین تو نه کج مچ باشد

ترسا به کلیسیا رود، حج باشد

هر چیز که هست آنچنان می‌باید

ابروی تو گر راست بود، کج باشد

و یا این رباعی از خواجه عبدالله انصاری:

مست توام، از باده و جام آزادم

مرغ توام از دانه و دام، آزادم



مقصود من از کعبه و بتخانه، توئی

ورنه من از این هر دو مقام، آزادم

[که شیخ بهایی نیز در شعر مشهور خود: «مقصود تویی، کعبه و بتخانه

بهانه»، متأثر از همین رباعی خواجه عبدالله است].

گذشته از آنچه ذکر شد، البته مواردی داریم که شعرای ماگاه با لحنی

خطایی و پندآموز و گاه با تأثیری عمیق و شاعرانه، از حج یا از زیارت حرم

رسول الله، سخن گفته‌اند که برای دسته اول، بهترین نمونه قصیده مشهور

ناصر خسرو و علوی قبادیانی است و برای دسته دوم، قصائد پرشور

خاقانی، ابن حُسام خوشفی و...

باورقی‌ها:

۱ - البته عنایت دارید که این تعبیر زیبا نشانه خداگون شدن اوست و بس و آدمی
همچنان بنده می‌ماند زیرا که اگر چه ابدی شده است اما ازلی نبوده است.

۲ - تمام رباعی غزالی چنین است:

سلطان گوید که: نقدِ گنجینه من

صوفی گوید که: دلتی پشمینه من

عاشق گوید که داغ دیرینه من

من دانم و من که چیست در سینه من

